

آموزش زبان فارسی و تحکیم هویت ایرانی - اسلامی

دکتر سید اسماعیل فرجی

دکتری زبان و ادبیات فارسی و استاد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه

Salam.naseragha@yahoo.com

چکیده

زبان به عنوان یکی از پدیده‌های فرهنگی - هویتی از مهارت‌هایی است که وجه تمایز اساسی بشر با سایر موجودات است. زبان به عنوان مهم ترین عامل انتقال بافت هویتی یکی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل شخصیت و ماهیت افراد در جوامع به حساب می‌آید. نکته حائز اهمیت درباره فراگیری زبان دوم (خارجی) آن است که با نگاهی به رویکرد فرهنگی - هویتی جوامع به زبان‌های بیگانه در می‌یابیم که زبان این قابلیت را دارد که با کمک سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی به صورت مفید و مؤثری نگرش‌های هویتی و فرهنگی زبان مبدأ را به زبان آموز منتقل کند. در دهه‌های اخیر، زبان به عنوان هسته اصلی فرهنگ و مؤلفه‌های کلیدی مؤثر در شکل‌دهی هویت مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. در این میان، نقش زبان خارجی بر هویت مورد تأکید بوده است. در نوشته حاضر سعی بر آن است که پس از تحلیل روابط بین زبان فارسی به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی انتقال مسائل هویتی ملی - اسلامی زبان فارسی به زبان آموزان غیرفارسی زبان بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، هویت، هویت ایرانی - اسلامی، آموزش زبان فارسی

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

IRAN KHOMENI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

۱. مقدمه

زبان هسته اصلی هویت فرهنگی را تشکیل می‌دهد و در واقع زبان، ابزار بنیادی برای فهم رفتار بشر است که با کمک آن می‌توان دریافت که انسان‌ها، رویدادهای محیط زندگی اطراف خود چگونه می‌نگرند و آنها را چگونه تحلیل و توصیف می‌کنند. زبان بازگوکننده هویت انسان و جامعه انسانی است و بقای آن را تضمین می‌کند. مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انسان که به گونه‌ای به هویت وی بر می‌گردد، در بستر زبان شکل می‌گیرد و در فرآیند نوشتار و یا گفتار می‌توان تا حدی به درک این هویت دست یافت. « از نظر سوسور، زبان نظام نشان‌های است که معنای یا افکار را بیان می‌کند» (توسلی، ۱۳۷۱: ۱۵۵).

زبان به‌ویژه با آفرینش نظام معنایی قابل فهم در تعامل اجتماعی، مهم‌ترین ابزار ارتباطی به حساب می‌آید. به علاوه زبان فراگیر ترین عنصر مشترک هویتی است که می‌تواند فارغ از بُعد جغرافیا و هم‌جواری سرزمینی، تا حد زیادی ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و انتقال این مجموعه در توالی نسل‌ها به عهده بگیرد. بنابراین در میان عناصر هویتی، زبان در رتبه اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد. از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر هویت در ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی علوم انسانی و اجتماعی مورد توجه صاحب نظران و دانشمندان قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر، توجه به مجموعه عوامل جامعه‌شناختی مربوط به ماهیت زبان و کاربردهای آن به‌طور روزافزون افزایش یافته است و توجه به هویت و نحوه شکل‌گیری و انتقال آن از طریق زبان نیز بخشی از این روند تحقیقاتی است. به عبارت دیگر، پس از دوره‌های طولانی تفوق دیدگاه‌های ساختارگرایی و شناختی درباره ماهیت زبان، توجه

به محیط اجتماعی، تعامل و مشارکت اجتماعی و پایگاه‌های اجتماعی و هویت اجتماعی بیشتر شده است و به زبان به‌عنوان پایگاهی برای شکل‌گیری هویت نگاه می‌شود. محققان بیش از پیش به دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در شناخت ماهیت زبان و نقش آن در فرهنگ و اجتماع علاقه نشان می‌دهند. بررسی زبان به‌عنوان ابزار شکل‌گیری هویت، بخش مهمی از بحث مشارکت و تعاملات اجتماعی زبان به‌ویژه در مبحث زبان‌آموزی است. بدون شک، زبان یکی از کلیدی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت انسان‌هاست.

زبان به‌واسطه نقش مهمی که در عرصه زندگی اجتماعی دارد، از بسیاری از تحولات و دگرگونی‌های گویشوران خود و نهادهای فرهنگی و اجتماعی برون‌زبانی تأثیر می‌پذیرد. واقعیت‌های ارتباطی وجود دارد که رابطه درهم‌تنیده، زبان و هویت فرهنگی را تأیید می‌کند. به‌عنوان نمونه تعامل یک غیرفارسی‌زبان با گویشوران زبان فارسی در ایران تنها مبتنی بر فراگیری عناصر و مهارت‌های زبان نیست، بلکه به‌همان اندازه که یک زبان‌آموز غیرفارسی، زبان به‌آموزش دستور و یادگیری دامنه لغات نیازمند است، باید ارزش‌های هویتی اعم از زیرساخت‌های ملی و مذهبی آن زبان را در کنار ساختارهای زبانی فرا بگیرد. بنابراین بدون توجه به ابعاد مختلف بافت متنی - گفتمانی زبان فرآیند آموزشی و یادگیری هر زبان خارجی امری ناکارآمد است و سبب می‌شود که زبان‌آموز دچار سرخوردگی و سرگردانی شود.

در دهه‌های اخیر، هویت در ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و دینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی علوم انسانی و اجتماعی مورد توجه صاحب‌نظران و دانشمندان قرار گرفته است. در فرهنگ آکسفورد، «هویت» به‌معنی شخصیت یا وجود عینی افراد یا اشخاص ذکر شده است (آکسفورد، ۲۰۰۱، ۶۴۳). کوشش برای یافتن معنا در زندگی اغلب معطوف به کسب هویت ثابت است. هویت در حقیقت فرایند معنابخشی به‌خود و نیز پیدا کردن جایگاه خود در جهان نامحدود است. «جایگاه هویت به‌گونه‌ای است که اگر اصل آن از فکر بشر خارج شود، آنگاه بشر به‌هیچ چیز تصویری نخواهد داشت» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۱۷). در سال‌های اخیر، توجه به مجموعه عوامل جامعه‌شناختی در امر آموزش زبان به‌بیگانه‌زبانان و کاربردهای آن در این مسأله به‌طور روزافزون افزایش یافته است. توجه به هویت و نحوه شکل‌گیری آن و انتقال این امر از طریق زبان نیز بخشی از روند تحقیقاتی در فرآیند آموزش زبان دوم است. نگارنده در پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی در سیاست‌گذاری‌های کلان و فرازبانی یعنی تأثیر یادگیری و آموزش مسائل هویتی در امر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان مذاقه کند تا تحلیل و واکاوی آنها، زمینه‌ساز آموزش و تعلیم کاربردی و مبتنی بر بافت اجتماعی زبان باشد. ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir

۲. فرضیه تحقیق

با توجه به مباحث ارائه شده، فرضیه‌های زیر در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

الف) بین مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی و میزان هویت (دینی - اجتماعی) رابطه وجود دارد.

ب) تبیین مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی و میزان هویت فرهنگی افراد رابطه وجود دارد.

۳. ضرورت پژوهش

لازمه به‌کارگیری زبان در گفتمان‌های مناسب و ایجاد یک ارتباط فرهنگی درست، آشنایی با پیام‌ها و فرایم‌های هویتی است. هر زبانی دستور هویتی اعم از هویت ملی و دینی ویژه‌ای دارد که شایستگی انتقال به سایر فرهنگ‌ها و تأثیر بر آنها را امکان‌پذیر می‌کند. هدف آموزش زبان با قابلیت‌های ارتباطی آن، آموزش مهارت‌های ارتباطی در زیربنای هویتی فرهنگ آن جامعه است آموزش هویت ایرانی - اسلامی به زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان در ایران از دو سو دارای اهمیت است: اول آنکه آگاهی زبان‌آموزان را به تفاوت‌های فرهنگی و هویتی تعالی می‌بخشد و به‌آنان

یاری می‌رساند تا رفتارهای کلامی و غیرکلامی جامعه را که در آن زبان می‌آموزند، فرا بگیرند و به‌درستی درک و تفسیر کنند و از سوی دیگر آموزش هویت موجود در بطن جامعه به‌آموزش زبان یاری می‌شود.

۴. پیشینه تحقیق

درباره نقش آموزش زبان فارسی در ترویج هویت ملی - دینی کتاب‌های گوناگونی به‌رشته تحریر در آمده است از جمله « هویت ایرانیان امروز» از فرهنگ رجایی، « هویت ایرانی و زبان فارسی» از شاهرخ مسکوب و مجموعه مقالات « درباره زبان فارسی» از نصرالله پورجوادی، مجموعه مقالات «زبان فارسی و زبان علم» علی کافی، « تعریف فرهنگ ایرانی» از حسین سرافراز و «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی» از نگار داوری اردکانی از جمله پژوهش‌های مرتبط در این زمینه است.

صحرائی نیز در پژوهشی باعنوان « چشم‌انداز آموزش زبان فارسی به‌غیرایرانیان از منظر برنامه‌ریزی درسی» انجام داده است و پرسش مقاله وی آن است که فرآیند تدوین کتاب‌های آموزش زبان فارسی به‌غیرایرانیان تا چه حد از اسلوب علمی طراحی برنامه درسی تبعیت می‌کند و به‌بررسی تفاوت بین روش تدریس و طراحی برنامه درسی در این زمینه پرداخته است.

در باب هویت و آموزش زبان در لابه‌لای کتبی که در باب فرهنگ و آموزش زبان دوم هست مانند کتاب « بررسی نقش آموزش زبان فارسی در تبیین فرهنگ ایران اسلامی» اثر حمید محمدخانی (۱۳۷۷) می‌توان به‌مطالب سودمندی دست یافت. نویسنده در این کتاب فرهنگ و هویت را پیامی می‌داند که به کمک زبان می‌توان به زبان‌آموز انتقال پیدا کند.

نژادمعصوم و حقانی (۱۳۸۵) نیز در باب اهمیت هویت در امر آموزش معتقد است انتقال هویت در هر فرهنگی به‌کمک زبان برای ایجاد و تعمیق مهارت‌های بین‌فرهنگی در آموزش زبان شاخصه بسیار مهمی است که بدون آن زبان‌آموز تنها با مجموعه‌ای از لغات و قواعد دستوری دست و پنجه نرم می‌کند.

۵. رویکردها و اهداف اصلی

فلسفه آموزش زبان مشتمل بر رویکردهای متنوع و متفاوتی است که هر یک با توجه به‌محوریت خود منشأ شیوه‌ها و راهبردهای مختلفی در سطوح اجرایی گوناگون است و ابزارها و امکانات خاصی می‌طلبد. این رویکرد متأثر از نگاه خاص سیاست‌گذاران این حوزه به ایدئولوژی حاکم یعنی بافت هویتی بر نظام آموزشی بستگی دارد. هویت فردی در مجموع به‌نوعی آگاهی می‌شود که هر فرد در فرآیند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره خود کسب می‌کند. این خودآگاهی به‌صورتی نسبتاً سامان یافته به‌مثابه‌بخشی از نظام شخصیتی حایل و واسطه بین دنیای بیرونی و درونی فرد است و در هر حوزه یا میدان تعاملاتی، رابطه او را با خود و دیگران تنظیم و کنش‌هایش را تعدیل می‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۱۰۷).

اما به‌جز هویت فردی، هویت اجتماعی نیز وجود دارد. « هویت گروهی یا اجتماعی به‌رابطه میان فرد و دیگران اطلاق می‌شود که به‌سبب آن تفاوت‌های میان خود و سایر گروه‌های اجتماعی هویدا می‌شود. هویت اجتماعی مهم‌ترین ویژگی هر ملت، فرهنگ، تاریخ و سرزمین مشترک یک قوم است» (مهیمنی، ۱۳۷۹: ۳۰۶). این هویت زمانی که از گرایش‌ها نگرش‌های مثبت نسبت به‌عوامل، عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی برخوردار گردد، هویت ملی نامیده می‌شود. « به‌عبارت دیگر هویت ملی به‌معنای احساس تعلق و وفاداری به‌عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارتند از سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان، ادبیات، مردم و دولت» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷).

۵-۱ زبان

زبان خاص انسان است و شیوه غیرغریزی (non- instinctive) انتقال عقاید، احساسات و خواسته‌ها از طریق تولید مجموعه‌ای از نمادهای اختیاری است. زبان نظام نشانه‌های آوایی اختیاری است که ارتباط و عکس‌العمل متقابل میان همه مردم در ازای یک فرهنگ معین یا افراد دیگری که نظام آن فرهنگ را فرا گرفته باشند، امکان‌پذیر می‌سازد/ به عبارتی دیگر نظامی قراردادی متشکل از نشان‌ها یا نمادهای آوایی و وسیله مشارکت گروه‌های اجتماعی است. این نهاد، با کمک نمادهای قراردادی شیوه تفکر ما را شکل می‌دهد و تعیین می‌کند که به چه چیزی فکر کنیم (تاتن، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۴).

۵-۲ زبان اول و زبان دوم (خارجی)

به‌طور کلی زبان مادری هر فرد یا زبانی را که اول فرا گرفته است، زبان اول می‌گویند. در جوامعی که کودک هم زمان دو زبان را فرا می‌گیرد، زبان اول به زبانی اطلاق می‌شود که کودک بیشتر ترجیح می‌دهد از آن استفاده کند اما زبان دوم زبانی است که زبان مادری یا زبان اول یک کشور نیست ولی همچون ابزاری ارتباطی (مثلاً در آموزش زبان دوم یا ...) به‌طور گسترده در سطح جامعه استفاده می‌شود. زبان خارجی زبانی است که در مدارس یا سطوح دانشگاهی آموزش داده می‌شود ولی زبان اصلی ارتباطی در آن کشور نیست.

۳-۵ چیستی و ماهیت هویت

هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه به‌معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد» (الطایی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

۵-۴ هویت فردی

هویت افراد در طی فرایند رشد شکل می‌گیرد. این هویت در متن اجتماع و فرهنگ رشد می‌کند که فرد در آن جامعه‌پذیر شده است. در واقع هویت فردی به‌معنی «چه کسی بودن» از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به کسی یا جایی نشأت می‌گیرد (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

۵-۵ هویت ایرانی - اسلامی

مذهب از گذشته تاکنون عامل به‌وجود آورنده هویت مشخص برای معتقدان خود و تمایز میان افرادی بوده که اعتقادی به آن ندارند. به بیان دیگر عامل دین یکی از عوامل سازنده هویت است. «دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل یکپارچه‌سازی جامعه، تحکیم ارزش‌های مشترک، تقویت نظارت اجتماعی و تنظیم منابع، حفظ ثبات اجتماعی و کاهش کشمکش اعضای جامعه را بر عهده داشته است» (اشرفی، ۱۳۸۰: ۹). دین اسلام و مذهب تشیع، عنصر برجسته هویت ملی ایرانیان است از این‌رو در عرصه سیاستگذاری و تنظیم سرفصل‌های درسی آموزش زبان فارسی باید بنابه ضرورت بر «دین اسلام» به‌عنوان یکی از عوامل سازنده هویت زبانی در کشور ایران تأکید کرد.

ورود اسلام به ایران بر تکوین ایرانی - اسلامی تأثیر بسیاری گذاشت تا جایی که زبان فارسی، آیین تمام نمای آراء و اندیشه ایران زمین و پشتوانه‌های دینی و ارزشی آن شد. در نتیجه می‌توان گفت هر درس زبان خارجی همانند

برخورد فرهنگ‌ها تجربه علمی ارتباط میان فرهنگی است زیرا هر واژه خارجی، دنیای خارجی و فرهنگ و اندیشه و دین و بستر فرهنگی خود را منعکس می‌سازد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی

اسلام، عرفان، اخلاق، تشیع، عاشورا، مهدویت، زرتشت و ...	دین
ادبیات، مشاهیر ادبی، آداب و رسوم، غذا، پوشش، صنایع دستی، اساطیر، باورها ...	فرهنگ
آب و هوا، قومیت، اقتصاد، کشاورزی، تمامیت ارضی.	تاریخ و جغرافیا
خط، گویش، لهجه، تأثیر زبان و خط عربی بر فارسی.	زبان

۵-۶ آموزش زبان و هویت

زبان همواره نقش مهمی در ایجاد و بیان هویت داشته است. هویت به‌ویژه هویت مذهبی و یا قومی از هنگام تشکیل جوامع انسانی وجود داشته است. زبان برای مقاصد مختلفی به‌کار می‌رود. علاوه بر نقش اصلی آن که برقراری ارتباط است، ایجاد هویت در افراد و تعیین و وفاداری آنان را نیز در بر می‌گیرد و این موضوع در آموزش زبان نکته حائز اهمیت است. چرا که مسأله هویت و زبان و چگونگی تعامل آن دو به‌مثابه دو جزء از زیر ساخت‌های جوامع بشری تا آن حد اهمیت دارد که « برخی جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران علوم اجتماعی معتقدند ملت‌ها زاینده عصر جدید نیستند، بلکه باید آنها را حاصل بازسازی هویت‌های سرزمینی قدیمی‌تر بدانیم که از سنت‌ها، تاریخ، زبان، مذهب، عوامل محیطی و جغرافیایی، به‌ویژه اسطوره‌ها اثر می‌پذیرند (معینی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

زبان نه تنها بخشی از آنچه کا یک «هویت» می‌نامیم، بلکه منعکس‌کننده مصادیق آن هویت نیز می‌باشد. در واقع درک محتوای هویتی، کلید آموزش و یادگیری موفق زبان دوم است. زبان‌آموزان نمی‌توانند به‌زبانی تسلط یابند مگر آنکه به‌بافت‌های هویتی که در آنها از آن زبان استفاده می‌شود نیز تسلط داشته باشند. انجمن آمریکایی معلمان زبان‌های خارجی^۱ استانداردهای یادگیری زبان خارجی را در سال ۱۹۹۶ منتشر کرد که در آن چهارچوب فعالیت آموزگاران و برنامه‌نویسان و مسئولان آموزش با اشاره به‌پیچ‌نکته تعیین شده است، توانایی ایجاد ارتباط باید در چهار صورت گفتار، شنیدار، خواندن و نوشتن تقویت شود. در این ساختار، مبحث ارتباط فرهنگ و هویت نیز اهمیت زیادی دارد؛ در واقع ارتباط بدون درک زیرساخت‌های هویتی زبان دومی که فراگرفته می‌شود قابل درک نیست.

www.anjomanfarsi.ir

رابطه^۲ بر این نکته تأکید می‌کند که لازم است زبان خارجی با شاخه‌های مختلف رابطه داشته باشد. یادگیری زبان هدف با زبان مادری نیز به یادگیری کمک می‌کند و در واقع یادگیری زبانی دیگر به‌درک بهتر زبان مادری و هویت فرهنگی فرد کمک می‌کند: بدین‌سان که با ارتباط با افرادی از اجتماع‌های مختلف زبان هدف، می‌تواند به‌درک هویت درونی و ذهنی افراد آن جامعه کند مانند دعوت فردی از آن جامعه کند مانند دعوت فردی از آن جامعه به‌کلاس یا رفتن به‌رستوران، مجالس مذهبی، ملی و ... (مکی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

میزان هویت‌پذیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در توانش زبانی، زبان‌آموزان دارد و بدون هویت‌پذیری، توانش زبانی در حقیقت ناکامل است. « زبان‌شناسان و مردم‌شناسان از مدت‌ها پیش فهمیده بودند که صورت‌ها و کاربردهای یک زبان خاص منعکس‌کننده ارزش‌های فرهنگی و هویتی جامعه‌ای است که آن زبان در آن صحبت می‌شود. مهارت‌های زبانی در کنار تسلط زبان‌آموزان با دانش فرهنگی و هویتی جامعه کامل می‌شود. توضیح جنبه‌های هویتی هر زبانی می‌تواند به‌زبان‌آموزان بیگانه زبان کمک کند تا صورت‌ها و فرم‌های هر زبانی را با مکان‌ها، رسومات، رفتارها و افراد تطابق دهند. با آموزش زبان خارجی باید هویت یک جامعه نیز در ذهن زبان‌آموز پیاده شود اگر کسی می‌خواهد

².America council on teachers of foreign languages: Actel

³.connection

به فارسی صحبت کند باید هویت فارسی پیدا کند. مثل مردم اهل آن کشور فکر کند و این ممکن نیست مگر اینکه با زیرساخت‌های هویتی آن جامعه کاملاً آشنا شود.

تسو (tsou, 2005) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر آموزش فرهنگ بر آموزش زبان خارجی» بیان می‌کند که بسیاری از معلمان سطح مقدماتی زبات انگلیسی در تایوان نگران این مسأله هستند که چگونه آموزش هویت افراد جامعه را در کلاس‌های آموزشی بگنجانند. این نگرانی بیشتر به دلیل آگاهی اندک این معلمان از مسأله هویت، کمبود وقت، نبود یک شیوه مناسب و مواد درسی و برنامه‌ریزی مناسب است و به نظر می‌رسد برای تشویق معلمان به این امر باید راهنمایی مناسب تهیه شود. نتایج پژوهش‌های مختلف بر روی زبان‌آموزان نشان می‌دهد که با تلفیق و گنجانیدن مسائل هویتی در کلاس‌های آموزش زبان، تسلط و مهارت این زبان‌آموزان به طور چشمگیری بهبود یافت (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۱). بنابراین آموزش مسائل هویتی در یک زبان مستلزم شرایطی است از جمله:

- توجه به این نکته که زبان‌آموزان برای درک زبان باید هویت نهادینه شده در رفتارهای مردم جامعه را فرا گیرند.

- کمک به زبان‌آموزان برای افزایش آگاهی انسان در خصوص هویت نهفته شده در کلمات و عبارات زبان هدف.

- کمک به زبان‌آموزان برای توسعه مهارت‌های لازم برای سازمان‌دهی اطلاعات مربوط به هویت موجود در زبان هدف.

- برانگیختن کنجکاوی هوشمندانه زبان‌آموزان درباره هویت موجود در زبان هدف و تقویت احساس همدلی با مردمان صاحب آن هویت.

بنابراین زبان به عنوان نیروی انسجام دهنده نقش ویژه‌ای در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد، زبان علاوه بر آنکه خود حاصل بار معنایی هویت است، از طریق آفرینش و انتقال نظام معنایی قابل فهم برای دیگران نیز به مثابه کانال انتقال سایر عناصر هویتی نقش ایفا می‌کند چنانکه اغلب از طریق زبان و مجموعه پیوسته به آن است که ما نسبت به هویت تاریخی، ملی و ارزش‌های مذهبی یک قوم آگاهی می‌یابیم.

۱-۶-۵ انتقال هویت ایرانی - اسلامی در فرایند زبان‌آموزی - ۱۳۹۹

حوزه تربیت معلم زبان دوم/ خارجی یکی از مباحث بسیار مهمی است که در آن رشد و تعالی هویتی از اهمیت بسیاری برخوردار است. این اهمیت به دلیل رابطه معنادار و مستقیمی است که بین مسأله هویت و زبان دوم و رشد حرفه‌ای آن وجود دارد. به دلیل چند وجهی بودن مفهوم «هویت» ارائه تعریفی دقیق برای آن کار آسانی نیست. اما در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت گسترش آموزش زبان فارسی در سطح جهان در جهت آشنایی هر چه بیشتر مردمان سایر نقاط جهان با زبان فارسی و آگاهی از ظرفیت‌های ادبی، هنری، فرهنگی و اجتماعی آن، آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان رونق گرفته است. چون فارسی‌زبانان خود از کشورهای مختلفی هستند و دارای هویت‌های متنوعی می‌باشند و از آن جهت که آموزش زبان دوم به دلیل چند وجهی بودن از لحاظ محتوا دارای سازه‌های فرهنگی و آموزشی متفاوتی است، رشد هویت و آموزش آن به زبان‌آموزان باید مورد توجه قرار گیرد.

تمامی مؤلفه‌هایی که از طریق زبان، تصویر و صدا یا تلفیق این موارد قابل انتقال هستند، می‌توانند در فرایند آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به کار گرفته شوند. این مؤلفه‌ها عبارتند از فرهنگ، خصوصیات اخلاقی، اساطیر، ورزش‌ها، دین، قومیت، جغرافیا، ارزش‌های رفتاری، هنر، ادبیات، سیاست، صنایع دستی، مشاهیر علمی و مذهبی، تاریخ تمدن و

بحث آموزش هویت در مباحث آموزش زبان دوم هرچند به صورت پراکنده در پژوهش‌های موجود مورد توجه قرار گرفته است اما اگر ابعاد و سیع‌تری از این موضوع در کنار این مطالب لغوی و دستوری آموزش داده نشود، به زبان‌آموزان در کسب دورنمای زبانی کمک چندانی نخواهد کرد. آموزش زبان فارسی در حوزه بافت هویتی جامعه شامل چهارچوب‌های مبتنی بر مفاهیم کلیدی زیر است:

● همه رخدادهای زبانی نیازمند کاربرد زبانی خاص در بافت‌های اجتماعی خاص است.

● زبان به کار برده شده در شرایط خاص اهمیتی فراوان در تعیین ماهیت رخداد اجتماعی دارد بر این مبنا، آنچه در بافت جامعه شناختی مؤثر واقع است آن است که ساخت‌های زبانی چگونه با یکدیگر تعامل می‌یابند تا گفتمانی کامل را تشکیل دهند. نکته شایان ذکر دیگر اینکه طبقه اجتماعی، قومیت، سن، جنسیت و محیط جغرافیایی از موارد تأثیرگذار در تغییرات واقعیت‌های زبانی‌اند که باید در برنامه‌های درسی لحاظ شود.

ولتمر (2007: voltmer) در نقد کتاب لیز سرکو و همکاران (sercu.al. 2005) با عنوان «معلم‌ان زبان خارجی و توانش بینا فرهنگی» می‌نویسد «تحقیقی بین‌المللی است در این باره که معلم‌ان زبان خارجی چه احساسی درباره وجه بینا فرهنگی آموزش زبان دارند و درباره آن چه تبدیری اندیشیده‌اند. ایشان در پژوهش کمی - مقایسه‌ای خود در سال ۲۰۰۱ از ۴۲۴ معلم زبان خارجی در هفت کشور بلژیک، بلغارستان، لهستان، مکزیک، یونان، اسپانیا و سوئد، با استفاده از پرسشنامه به گردآوری داده‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که هدف معلم‌ان زبان خارجی ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان و توانا ساختن آنها برای استفاده از زبان دوم است. به همین دلیل تأکید آنها بیشتر بر تدریس زبان خارجی است و نه هویت و فرهنگ. در نتیجه با کمبود وقت برای استفاده از منابع مناسب با هدف آموزش زیرساخت‌های هویتی مواجه می‌شوند. در کل به نظر می‌رسد که معلم‌ان غالباً بیان می‌کنند که با بافت هویتی زبان هدف چندان آشنایی ندارند. البته بر اساس نظر معلم‌ان و متولیان امر آموزش زبان به بیگانه زبانان واکشش زبان‌آموزان نسبت به این امر متفاوت است. مثلاً در بلغارستان زبان‌آموزان نسبت به زیرساخت‌های هویتی و فرهنگی زبان هدف بسیار متمایل هستند، در حالی که در اسپانیا این گونه نیست. در واقع تصویری که آموزگاران از میزان وقت و دفاعاتی که برای آموزش فرهنگ ترسیم کرده‌اند بسیار پیچیده است. به طور میانگین تصویر ارائه شده رضایت بخش است، اما بین کشورهای مختلف تفاوت زیادی است. یکی از مشکلات اصلی آن است که معلمانی که قصد دارند جنبه‌های گوناگون مسائل هویتی و فرهنگی زبان هدف را به زبان‌آموزان خود آموزش دهند در واقع نمیدانند که برای این کار باید از چه روشی استفاده کنند، چقدر وقت بگذارند و در نهایت این امر چه تأثیری در فرایند آموزش دارد. به همین علت، اغلب ترجیح می‌دهند که از رویکرد ادغامی برای تدریس زبان و فرهنگ در کنار هم استفاده کنند ولی در عمل نسبت به استفاده از این روش تردید دارند. بنابراین به نظر می‌رسد توانش هویتی نیز باید به عنوان یکی از اهداف آموزش زبانت هدف مدنظر قرار گیرد» (رک رستم‌بیک و رمضانی، ۱۳۹۱: ۲۹-۲۷). در این راستا می‌توان راهکارهایی را ارائه داد که در زیر به آنها خواهیم پرداخت.

برنامه‌ریزی به منظور جهت دهی هویت زبانی باید دارای اهدافی باد: زبان، نشانه و رمزی تهی از هویت و پیش‌انگاره‌های اجتماعی نیست که متمایز از شیوه تفکر و اندیشه جامعه زبانی باشد بلکه برعکس زبان بازنمای روساختی از هویت و جایگاهی مناسب برای تبلور آن و سایر عناصر فرهنگی و اجتماعی است.

درباره مفهوم هویت زبانی «شفمن معتقد است که برای زبان دو سیاست آشکار و پنهان وجود دارد. او رابطه این دو نوع سیاست آشکار زبان را قسمت بیرونی کوه یخ، سیاست پنهان زبان را قسمت زیرین آن و دریا یا اقیانوسی را که کوه در آن شناور است بافت فرهنگی - هویتی - زبان قلمداد می‌کند. بدین ترتیب، فرهنگ و ماهیت زبانی افراد و جوامع را خاستگاه سیاست‌های آشکار و پنهان زبان و در نتیجه از نظر ماهوی مشابه می‌داند» (داوری اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

زبان فارسی به سان دیگر زبان‌ها نظامی با بُعد هویتی غنی ایرانی- اسلامی است که فراگیری آن نیازمند آشنایی با این بُعد است بدین منظور لازم است روش‌های آموزش زبان دوم هر روز تغییر می‌کند. اما این تغییرات باید در راستای نیازهایی باشد که زبان‌آموزان به آن احتیاج دارند. زبان‌آموزان نباید تنها زبان عمومی را آموزش ببینند بلکه باید تکنیک‌هایی که به کمک آن در جامعه بتواند به راحتی ارتباط برقرار نماید را باید مدنظر قرار داد از این رو برنامه‌ریزی به منظور جهت دهی به هویت زبانی بسیار با اهمیت است.

۲-۶-۵ یادگیری زبان در گروه‌های عادی و جمعیت‌های هنجار

یکی دیگر از سویه‌هایی که باید در خصوص فرایند آموزش هویت ایرانی- اسلامی به زبان‌آموزان غیرفارسی زبان در نظر داشت آن است که زبان‌آموزان را به اردوهای فرهنگی در سطح جامعه بردم مناسبات ملی و مذهبی مانند عید نوروز، شب یلدا، جشن‌ها و اعیاد مذهبی، مراسم تعزیه و ... هر کدام فرصت مناسبی است که زبان‌آموزان با شرکت در آن در کنار آموزش زبان، واژگان و بافت زیرساختی زبان را یاد بگیرند. استفاده از این واحدهای فرهنگی برای آموزش هویت به زبان‌آموزان سبب علاقه و تمرکز بیشتر آنان می‌گردد. کسب مهارت در سنت‌های جامعه شناختی یک بافت هویتی علاوه بر اینکه باید به صورت هدفمند و متمرکز در کتب درسی به کار رود باید به صورت ملموس و عینی به زبان‌آموزان نشان داده شود. پیش‌زمینه‌های هویتی که سبب ایجاد لغات خاص و ساختار دستوری متفاوت (به عنوان مثال احترام، تواضع و فروتنی و ...) می‌شود به میزان بسیار زیادی در یادگیری تأثیرگذار است. پدیده‌های نگرشی عمیق مانند بازدید از ابنیه تاریخی و مذهبی در شناساندن هویت ایرانی- اسلامی به زبان‌آموزان بسیار مفید و مؤثر است. بنابراین آنچه که یک زبان‌آموز غیرفارسی زبان در ساختار جامعه ایرانی- اسلامی جهت فراگیری زبان فارسی باید یاد بگیرد تنها افزایش دامنه لغات و دستور زبان آکادمیک نیست بلکه باید به موارد زیر توجه نمود:

- آموزش زبان به طور مؤثر و کارآمد به گونه‌ای که زبان‌آموز بتواند ارتباط ملموس و عینی میان ابزار انتزاعی (زبان) و جامعه (بافت هویتی).
- مقایسه ارزش‌ها و اصول فرهنگی جامعه بومی زبان‌آموزان با جامعه زبان دوم.
- شناخت بهتر و عمیق ارزش‌های فرهنگ بومی و سعی در ایجاد دل‌بستگی و نزدیکی هر چه بیشتر زبان‌آموزان با این موضوع.

هویت ایرانی- اسلامی دارای ابعاد گوناگونی است که مفهوم «هویت» در جامعه ایرانی از آن نشأت گرفته است مهم‌ترین دستاورد هویت اسلامی پاسخ دادن به پرسش‌های بنیادی، جهت‌دادن به زندگی، وحدت اعتقاد و معنای بخشیدن به جهان (معینی، ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۲). هویت دینی در قالب ارزش‌های اجتماعی و با کمک زبان، لغات و اصطلاحات، واژه‌های خاص در نظام شخصیتی و هویتی افراد وارد شده و در آن نهادینه می‌شود، در ادبیات و هنر و سینما متبلور می‌شود و به تفکیک در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود را نمایان می‌سازد. زبان به راحتی قادر است کنش‌های اجتماعی را رهبری کند و این بافت هویتی را به زبان‌آموزان تعلیم دهد. در کشور جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر آیین توحیدی است زبان ملی بزرگترین سرمایه فرهنگی و مهم‌ترین عامل حفظ، استمرار و استقلال فرهنگ و پاسداری از هویت است. تحقق تمامیت هویت ایرانی- اسلامی به میزان بسیار زیادی در زبان نمود می‌یابد. اهمیت زبان در شناخت فرهنگ یک ملت به اندازه‌ای است که می‌توان گفت زبان یک ملت کلیدی است که با استفاده از آن می‌توان فرهنگ آن ملت را شناخت و شناخت فرهنگ، راهی است به سوی هویت یابی هویت از طریق زبان و نمادهای آن به صورت گفتاری و نوشتاری منتقل می‌شود. در روند آموزش زبان فارسی غیرفارسی زبانان باید دقت کرد که زبان‌آموزان را به سوی درک متقابل و افزایش ارتباط سازنده با فرهنگ ایرانی- اسلامی و دفع موانع هویتی سوق داد. در گام نخست برای درک ارزش‌های هویتی این فرهنگ، باید از هرگونه قضاوت ارزشی بین

فرهنگ ایرانی - اسلامی و فرهنگ زبان آموزان خودداری کرد و با شرح تفاوت‌ها و به صورت غیرمستقیم غنای زیرساخت‌های هویتی ملت ایران را به آنان نشان داد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

امروزه نقش و جایگاه زبان فارسی در مراوده‌های منطقه‌ای و جهانی، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. اگر بپذیریم که زبان محمل و مرکب هویت و فرهنگ بشری بوده و هست، با دقت در بافت‌های اجتماعی و زیرساختی جامعه در خواهیم یافت که مسأله آموزش زبان بدون توجه به آموزش بافت هویتی ایرانی - اسلامی امری بیهوده و ناکارآمد تلقی می‌گردد.

در کتب آموزش زبان فارسی به بیگانگان زبانان و کلاس‌های مربوط باید ضمن افزایش مهارت خواندن، نوشتن، گفتن و شنیدن در زبان آموزان به صورت هدفدار و برنامه‌ریزی شده‌ای به آموزش زیر ساخت‌های هویتی زبان فارسی که آمیخته‌ای از مسائل قومی، ایرانی و ارزش‌های مذهبی است دقت شود بدین منظور لازم است تا ضمن آموزش زبان به موارد زیر توجه کرد:

۱. مدرس زبان باید بتواند ضمن به رسمیت شناختن، پذیرش و ارزش گذاری به درک تفاوت‌های هویتی زبان آموزان در فرهنگ خود و فرهنگ زبان هدف (فارسی) کمک کند.
۲. مدرس باید با یاری کردن زبان آموز در درک و فهم بهتر مهارت‌های زبانی از پیدایش انواع سوء تفاهم‌ها در ضمن حفظ هویت و فرهنگ بان فارسی، جلوگیری به عمل آورد؛ این امر به کمک آموختن مهارت احترام به عقاید و باورهای فرهنگی با تأکید و تکیه بر ارزش‌های دینی و بهره گرفتن از آیات الهی در فرهنگ اسلامی زبان فارسی به خوبی محقق می‌شود.
۳. مدرس باید بحث همدلی و همفکری میان زبان آموز را برای درک تفاوت‌ها و بالابردن قدرت تحمل و درهم شکستن کلیشه‌های فرهنگی بالا برد و با گریز به پیشینه تاریخی غنی حماسه‌ها و اساطیر ایرانی در کنار پیوندهای مستحکم آخرین دین آسمانی یعنی اسلام به کمک عناصر زبانی و بهره‌گیری از متون نظم و نثر، داستان و ... به معرفی شاخصه‌های هویتی رفتارهای اجتماعی و فرهنگی ملت ایران اعم از مراسم دید و بازدید، ازدواج، تولد، عزاداری و ... بپردازد.

چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir

منابع

۱. اشرفی، راضیه (۱۳۸۰)، بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، تهران، نشر دانشگاهی.
۲. تاتن، دبورا (۱۳۷۵)، تفاوت‌های کلامی میان زن و مرد، ترجمه: مهدی قراچه داغی و زهره فتوحی، تهران، اوحدی.
۳. توسلی، غلام عباس (۱۳۷۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
۴. داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی زبانی، فرهنگ زبانی و مؤلفه‌های آن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ۲، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۱.
۵. رستم‌بیک، آتوسا و رضانی، احمد (۱۳۹۱)، نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی، پژوهشنامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۱۵-۳۴.
۶. الطایبی، علی (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، چاپ چهارم، تهران، سهامی عام.
۸. عبدالحی، محمد (۱۳۷۴)، بحران هویت و هویت جمعی دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. لک، منوچهر (۱۳۸۴)، رویکردی به گونه‌شناسی شعر ملی در عصر مشروطه، تهران، نشر روزگار.

۱۰. معینی، جهانگیری (۱۳۸۳)، هویت، تاریخ و روایت در ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۱. مکی، فرانسیس (۱۳۹۲)، تحلیل روش آموزش زبان، ترجمه: حسین مریدی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۲. مهیمنی، محمدعلی (۱۳۷۹)، گفت‌وگوی تمدن‌ها، تهران، نشر ثالث.
۱۳. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳)، زبان در عرصه‌های ذهن و جامعه، تهران، هرمس.
۱۴. یوسفی، علی (۱۳۸۰)، روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸، سال دوم، صص ۴۲-۱۱.



چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir